

قانونی شدن و حق حاکمیت ملی در قرارداد ستراتیژیک:

در این جای شک نیست که موقعیت فعلی افغانستان بسیار حساس و جداً قابل نگرانی است. در چنین شرائط که وطن در برابر مداخلات نظامی علنی دشمنان از طرف همسایگان قرار گرفته، لازم است سیاست های داخلی و خارجی و داشتن روابط نزدیک با دوستان و افساء نیات دشمنان به هر شکل و شیوه که باشند مستلزم کار جدید سیاسی و تبلیغاتی قرار گیرد. یک سیاست فعال داخلی و خارجی از یکطرف و کار وسیع تبلیغاتی جهت بلند بردن مورال هموطنان و افسای آنچه در سرحدات ما میگذرد، ملت را در جریان قرارداد، تا مردم طور واضح و روشن دشمنان که در خفا فعالیتها را به راه انداخته اند شناسائی نموده و راه خود را انتخاب کنند.

امروز افغانستان در برابر سیاست های گنگ و محافظ کارانه دوستان و دشمنان دوست نما قرار گرفته است که نمیتواند در این کش و گیر چه راهی را انتخاب کند؟ ضعف رهبری دولتی و وابستگی بسیاری از ارکین دولتی که به شکل از اشکال باکشورهای بیگانه دارند نمیتوانند در برابر واقعیت های موجود باجرات و شهامت موضع خود را روشن کنند. بعضی ها در این ترس اند که اگر هرج و مرج رخ دهد و برای ایشان در افغانستان جای زندگی نباشد باید دوباره به پاکستان فرار کنند، از این رو کسی در برابر جنایات علنی پاکستان سر نمی خارد. همین طور آنهائیکه از غرب رفته اند از ترس این که اگر امریکائی ها بیرون شوند سرنوشت آنها چه خواهد شد، هم در فکر غارت و دزدی و پس فرار به غرب اند و صرف منافع خود را محترم می شمارند، خرابی اوضاع امنیتی از سوی دیگر همه را در یک تنگنا قرار داده است که رول اساسی را در آن دوستان دولت ایفامیکند.

باید گفت که کشور ما به کمکهای غرب و امریکا جداً نیاز دارد و طرفدار آن است که این کمک ها ادامه داشته باشد تا افغانستان به یک کشور متری و پشرفته مبدل گردد ولی از آن جائیکه در ظرف ده سال گذشته دیده میشود اوضاع در افغانستان جداً روبه وخامت گرائیده و هر روز بدتر و بدتر شده است. در چنین شرایطی که یکصد هزار عسکر راپاکستان در سرحدات افغانستان، قرار اظهارات مقامات پاکستان، جهت جلوگیری از ورود تروریستان به خاک افغانستان جابجا کرده اند، مصارف آنرا امریکا میپردازد. اما باز هم افغانها هر روز شاهد تشدید جنگ هستند، ولی از پاکستان در برابر این همه مصارف که از امریکا دریافت کرده پرسیان نشده است، که در بهبود وضع چه کاری را انجام داده است. اما برعکس همین یکصد هزار عسکر که امروز در سرحدات افغانستان سنگر گرفته اند و لیسوالیهای ولایات کنر، ننگرهار، و خوست و پکتیا را زیر ضربات راکت قرار میدهند که باعث شهادت ده ها نفر هموطن ما شده است. در اینجا احتمالات ذیل میتواند وجود داشته باشد.

۱- ایا پاکستان جرأت پرتاب راکت را در چنین شرایط که ناتو و امریکا به خاطر کمک به افغانستان جهت مبارزه با تروریسم آمده است دارد؟

در حالیکه از مرکز تروریسم انداختهای سلاحهای ثقیل صورت میگیرد و اما امریکا گوش هایش را کر و چشمان را بسته است چرا؟

الف- پرتاب این راکتها طبق یک پلان مشترک امریکا و سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی) انجام میشود، که در صورت عکس العمل نشان دادن حکومت افغانستان، اردوی پاکستان انداخت های جانب افغانی را بهانه قرار داده بایک حمله متقابل دست بزند که بعد از چند ساعت نماز پیشین را (آی اس آی) در مسجد پلخستی ادا خواهیم کرد.

این پلان درست به حمله اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به مصر می ماند که در آن زمان انجام داد. مصر در آن وقت آماده گی گرفته بود تا بالای اسرائیل حمله کند اما اسرائیل توسط جاسوسان خود اطلاع حاصل کرد و در حمله غافلگیر در ظرف چند ساعت بیش از (۳۰۰) بال طیاره مصر را از بین برد، تمام میدانهای هوایی را فلج کرد، حتی یک طیاره هم توان پرواز را نداشت و صحرای سینا، صبرا، و شتیلا بلندیهای جولان را از مصر و سوریه و اردن تصرف کرد. این جنگ شش روز دوام کرد، مناطق اشغال شده تاحال در اختیار اسرائیل قرار دارد و وسعت خاک اسرائیل چند برابر شده است و در آن زمان ارتش قدرتمند مصر و سوریه شکست خورد.

امروز تا این اردوی شکسته و پارچه ما که به جز کلاشنکوف چیز بیبیشتر ندارد، تا آماده شود کار تمام است. افغانستان طبق پلان غرب به صورت کاملاً طبیعی تجزیه میشود، و خط دیورند به هندوکش انتقال میشود، و من الله توفیق. شاید آقای کرزی هم چنین پلان را درک کرده که گفتند « آنچه در مطبوعات شنیدید وضع بسیار مغلق تر از آن است و ماحمله جوا بیه نمیکنیم».

ب- نشان دادن قدرت به افغانستان که در حل معضله گویا این پاکستان است که رول اساسی بازی میکند و باید در هر نوع مذاکرات در صدر قرار داشته باشد.

ت- باج گرفتن از آمریکا؛ این حملات در زمان صورت میگرد که مسئله خروج قوای امریکا مطرح است. جهت وارد آوردن فشار به امریکا در مبارزه با تروریسم که بدون همکاری پاکستان گویا میسر نیست و نشان دادن به غرب که امریکا در طول این مدت دستاوردی نداشته است.

۲- در اواخر سال گذشته و شروع امسال صدراعظم، وزیر دفاع و رئیس (آی اس آی) پاکستان بکابل سفر داشتند و بعداً آوازه های پخش شد که گویا پاکستان پیشنهاداتی را مطرح کرده است. این پیشنهادات عبارت بودند از قطع روابط با هندوستان و تعیینات پوستهای کلیدی وزارت خانه ها به مشوره با پاکستان صورت گیرد. در این صورت پاکستان طالبان را مهار میکند و صلح را در افغانستان تضمین مینماید و یا این انداخت ها جهت وارد آوردن فشار بیشتر بخاطر تحقق این خواهشات میتواند باشد. گرچه بعداً این آوازه ها از طرف نطق ریاست جمهوری آقای وحید عمر رد شد.

اکنون پیشنهادات که جهت انعقاد قرارداد ستراتیژیک به جانب امریکا داده شده بود قرار اظهارات آقای داکترسپینتا مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری در ولسی جرگه افغانستان، از طرف امریکا پذیرفته نشده است.

ولسی جرگه برای ارائه توضیحات بیشتر در این مورد روز شنبه (اول اسد) زلمی رسول، وزیر خارجه و رنگین داکترسپینتا، رئیس شورای امنیت ملی را فراخواند. آقای رسول گفت که گفتگوها میان افغانستان و امریکا در باره پیمان ستراتیژیک ادامه دارد و هنوز توافق بر سر جزئیات آن به دست نیامده.

آقای داکترسپینتا فرمودند که وجود تعهدات مالی و درازمدت امریکا در بخش تقویت، آموزش، تمویل و در اختیار قرار دادن تجهیزات نظامی به نیروهای دفاعی کشور و همچنین تعهدات مالی این کشور در بخشهای اقتصادی و اجتماعی در پیمان ستراتیژیک از خواستهای دولت افغانستان میباشند که امریکا به آن توافق ندارد.

به گفته داکترسپینتا افغانستان با تاکید بر این خواستههای خود در تلاش الزامی شدن تعهدات دولت امریکا به افغانستان است. مشاور ریاست جمهوری گفت، دولت افغانستان بر قانونمند شدن نیروهای امریکایی تا یک سال پس از امضای پیمان ستراتیژیک تاکید دارد، در حالی که امریکا مطابق توافقنامه سال (۲۰۰۳) با دولت افغانستان خواهان مصونیت فعالیتهای نیروهای این کشور در افغانستان می باشد، سپینتامی گوید که توافقنامه (۲۰۰۳) که صلاحیت بیشتر به نیروهای امریکایی داده بود، در حال حاضر در مغایریت با قانون اساسی افغانستان قرار دارد.

مشاور ریاست جمهوری افغانستان تاکید می کند که در امضای پیمان ستراتیژیک با امریکا حق حاکمیت ملی افغانستان بدون قید و شرط پذیرفته شود سپینتا گفت: «درخواست ما به عنوان نماینده افغانستان در این گفتگوها این است که باید حق حاکمیت افغانستان بدون قید و شرط تأمین شود. اما در صورتی که این خواستها از جمله مسائل زندانها، مسائل دستگیری، مسائل خانهدالی و مسائل مانند از اینها، قانونمند شدن حضور نیروهای امریکایی در افغانستان حل نشود، این (قرارداد) در مغایرت به حق حاکمیت ملی افغانستان قرار دارد و تعهد ما هم این است که به هیچ صورت در این موارد، تعویض نخواهیم داد که در آن صورت بهتر است که به هیچ توافقی نرسیم.»

وی گفت که افغانستان به توافق محتوایی پیمان ستراتیژیک با امریکا تاکید دارد تا سبب تقویت نهاد های امنیتی، سیاسی و اقتصادی شود.

سپینتا می گوید: داشتن روابط درازمدت امریکا با افغانستان نیاز امنیت ملی آن کشور است و توافق دو جانب باید به خواستهای یکدیگر باشد.

تعجب است امریکامیخواهد که حضور خود در افغانستان را مطابق یک اعلامیه حفظ کند یعنی در چوکات اعلامیه که قبلاً با وزیر خارجه وقت در سال (۲۰۰۳) داکتر عبدالله عبدالله به امضاء رسانیده است و همه ملت افغان شاهدزنده از نتایج آن است که چه نوع جنایات علیه مردم بی دفاع در قرا و قصبات افغانستان تا اکنون انجام شده است و میشود و این باید درس باشد که تکرار آن عواقب بدتر را در پی خواهد داشت.

در اینجا لازم به تذکرمی دانم که اگر حق حاکمیت مردم افغانستان محترم شمرده نشود این بدان معنی است که امریکا در افغانستان در پی اهداف مبهمی است که در آن صورت بقای افغانستان تحت سوال قرار گرفته میتواند، اگرچه سفیر جدید امریکا در افغانستان «آقای راین کراکر» گفت که «امریکایک روز اضافه تراز آنچه نیاز است در افغانستان باقی نخواهند ماند» ولی این نیاز چه و چه نوع تعریف و چه وقت برآورده میشود؟ که جواب ندارد.

همچنان آقای «کراکر» سفیر جدید امریکا نیز گفت که امریکا هیچ هدفی برای استفاده از خاک افغانستان در برابر همسایه های ندارد. او گفت مهمترین هدف امریکا وجود افغانستان باثبات است که دیگر به پایگاه تروریسم بین المللی تبدیل نشود.

سفیر جدید امریکا که در پاکستان هم وظیفه اجراء کرده بازم با تأسف پایگاه تروریسم را به افغانستان نسبت داد در حالیکه مثل آفتاب روشن است که پایگاه تروریسم یعنی پاکستان و هر روز از آنجا رهبران تروریستان دستگیر، کشته

و یا شناسائی میشوند، ولی باز هم به موجودیت تروریسم از طرف امریکا متهم نشده است. آقای «کراکر» سخن از ثبات در افغانستان زد ولی نگفت که چرا حاکمیت ملی این کشور از طرف ایشان احترام نمی شود؟
بمبارد، تلاشی، زندانی کردن و کشیدن افراد از خانه های شان ادامه دارد.
چرا در معاهدات از این حق چشم پوشی میگردد؟

چه رازی پس پرده وجود دارد که حاکمیت ملی افغانستان تضمین نمیشود؟
از این رو این سیاست امریکا سیاست مکارانه است که نباید افغانها در مورد خوشبینانه قضاوت کنند. نباید در مورد مصالح ملی یک قدم هم عدول گردد، لازم است بخاطر حفظ منافع ملی خود با دقت تمام و یک پارچه عمل نمایم که پشیمانی سودی نخواهد داشت، من باهمین عقل قاصر خود به هموطنان اطمینان میدهم که امریکا نمیتواند افغانستان را چنین رها کند مگر اینکه شکست مضحک و فجعتر از ویتنام به سطح جهانی را از هر حیث یکجا با متحدان خود بپذیرد.

بنابا شجاعت و قاطعیت از منافع ملی خود دفاع کنیم و از خواستههای خود نباید عدول کنیم. به یاد داشته باشید که پلانهای امریکا به خاطر بدست آوردن امتیا بسیار زیرکانه است، و این هم دور از امکان نیست که به خاطر امضاء این قرارداد ستراتیژیک از طرف امریکا، پرتاب راکتها از طرف پاکستان و ترورهای شخصیت های عمده حمایت از قدرت موازی در کنار دولت و داشتن روابط مخفی با بعضی ارکاین دولتی و شورای ملی به شکلی از اشکال جهت وارد آوردن فشار بالای دولت و مردم افغانستان سازما ندهی شده باشد و پلانهای بعدی را نیز نباید از نظر اندخت، و این وابسته به افغانها است، کاری نشود که بخاطر کمکهای امریکا ما از حاکمیت ملی خویش محروم شویم.

مورکه غلام نشوڅوک مونشي غلامولی
پښتنې وینې دي سرې څوک ئې نشي سپینولی

پایان